

## بررسی تجربه دبیران زن از ایفای هم‌زمان نقش کار - خانواده و تأثیر آن بر چگونگی تدریس آن‌ها

مژگان کرد

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان ایزه

محمد عطاران\*

دانشیار، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

یزدان منصوریان

دانشیار، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

### چکیده

پژوهش حاضر راجع به تجربه‌های دبیران زن از ایفای هم‌زمان نقش کار - خانواده و چگونگی تدریس آن‌ها در این موقعیت است. این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی انجام شد. نمونه پژوهش ۲۰ دبیر زن بودند که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند از میان دبیران زن متأهل و دارای فرزند انتخاب شدند که سابقه تدریس بیشتر از ۵ سال داشتند و در مقطع متوسطه شهرستان ایزه تدریس می‌کردند. نتایج نشان داد که دبیران زن فشارها و دوگانگی‌های زیادی را در موقعیت ایفای هم‌زمان نقش کار - خانواده تحمل می‌کنند. آن‌ها در این وضعیت درجه‌های متفاوتی از تعارض، فشار و احساس شکست و ناکامی در نقش را تجربه می‌کنند. مشارکت نکردن همسران این زنان در انجام دادن کارهای خانگی یکی از عوامل زمینه‌ای قوی در به وجود آمدن این فشارها و دوگانگی‌ها در آن‌ها است. تجربه‌های منحصر به فرد زندگی دبیران زن نیز در دو مقوله تدریس غیر مؤثر و انتخاب شغل دبیری خلاصه می‌شود. دبیران زن به دلیل فشارها و تعارض‌هایی که در این موقعیت تجربه می‌کنند، راهبردهایی را برای کنترل وضعیت خود انتخاب می‌کنند که این راهبردها پیامدهایی منفی در تدریس آن‌ها و در نهایت، بر یادگیری دانش آموزان بر جای می‌گذارد. شرایط پذیرش شغل دبیری (ارتباط نداشتن با مردان، نیاز اقتصادی و انجام دادن بهتر نقش‌های خانگی) توسط زنان شرکت‌کننده در این پژوهش یکی از عوامل زمینه‌ای در به وجود آمدن چنین سهل‌انگاری‌هایی در تدریس از طرف دبیران است. وجود این عوامل زمینه‌ای و دوگانگی‌های نقش، تدریس غیرمؤثر این دبیران را باعث شده است.

### واژگان کلیدی

نقش کار - خانواده، تدریس، دبیران زن، تعارض نقش، فشار نقش، شکست نقش، تدریس غیر مؤثر

## مقدمه و بیان مسأله

بررسی تاریخیچه کار زنان ارتباط پیچیده کار در خانه و بیرون از خانه را نشان می‌دهد. تا قبل از انقلاب صنعتی در بیشتر کشورهای اروپایی تمایزی بین کار و خانه وجود نداشت؛ اما با انقلاب صنعتی در سده نوزدهم، کار از خانه جدا و به کارخانه‌ها و ادارات و امثال آن منتقل شد (آبوت و والاس<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷). رشد اشتغال زنان از آن پس با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیکی داشت. زنان به صورتی نامتعادل در بخش خدمات متمرکز شدند. مشاغل زنان در بازارهای کار ثانوی<sup>۲</sup> تمرکز یافته است (گیدنز، ۱۳۷۶).

اشتغال زنان در ایران نیز از اواخر دوره قاجاریه و زمانی شروع شد که استفاده از کارگران روزمزد به صورت امروزی متداول شده بود. زنان ایرانی در قرن بیستم در مدارس، دانشگاه‌ها و مشاغل چون پرستاری، معلمی و منشی‌گری مشغول شدند (مه‌بادی، ۱۳۸۰). دگرگونی نقش‌های سنتی زنان و ورود آن‌ها به بازار کار، از جمله مناقشه برانگیزترین مباحث حوزه خانواده است.

بررسی‌های گوناگون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در شغل‌های مختلف هیچ چیز ذاتاً مردانه یا زنانه نیست و فقط کلیشه‌های جنسیتی است که به شغل‌های گوناگون نسبت داده می‌شود. در امریکا شغل‌های پرستاری و مددکاری اجتماعی شغل‌های زنانه است. در روسیه، پزشکی؛ در یونان، دندان پزشکی و حقوق و در فیلیپین، داروسازی کاملاً زنانه است. در ایران نیز براساس اطلاعات موجود و هم‌چنین تفکر غالب در جامعه، شغل معلمی زنانه است (شادی‌طلب، ۱۳۷۷).

از سویی، کلیشه مرد نان‌آور که با شغل خود زندگی را تأمین می‌کند مشکلی برای کار مردان پدید نمی‌آورد و هیچ‌گاه نقش شغلی آن‌ها با نقش‌های دیگرشان متضاد نیست. اما رویارویی نقش کاری زنان با دیگر نقش‌های خانوادگی باعث ناسازگاری نقش در آن‌ها می‌شود، چون ایفای نقش شغلی، نقش‌های دیگر زنان را کم‌رنگ‌تر نمی‌کند، بلکه زنان باید کارهای دیگر خود را نیز انجام دهند (سفیری و زارع، ۱۳۸۵).

- 
1. Abbott & Wallace
  2. Secondary Labour market



هنوز در جامعه، خانه داری در وجدان آگاه یا ناآگاه افراد به معنای دوری از قدرت اجتماعی، انجام دادن اعمال غیرمولد، غیرجدی و غیراساسی تلقی می‌شود؛ واقعیتی که در نهایت وظایفی چندگانه بر دوش زن می‌گذارد و مسائلی تازه در این میان برای او مطرح می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰).

ساختار نگرشی مؤثر بر زندگی شغلی زنان، کار را بعد از خانه داری برای زنان شاغل رقم می‌زند. کوپر<sup>۱</sup> (به نقل از متقی و همکاران، ۱۳۸۳) منبع بزرگ اضطراب زنان شاغل را تعارض و فشار روحی برآمده از اداره هم‌زمان خانه و کار می‌داند. او این مفهوم را «زن حیران» نامیده و معتقد است زنان به مراتب بیش از مردان دچار تعارض تعیین اولویت‌های خانه و کار می‌شوند.

بوردیو<sup>۲</sup> معتقد است که باورهای نادرست جنسیتی به نحوی ملکه ذهن کنش‌گران انسانی شده است که نه تنها تحمیل‌کنندگان آنها، بلکه زنان جامعه نیز، که هدف این کلیشه‌ها هستند، آنها را پذیرفته‌اند (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳).

کتاب‌های درسی و نظام آموزشی نیز نقش سنتی زن اندرونی و مرد بیرونی (اعزازی، ۱۳۷۶) و انتخاب نقش‌های مبهم و حاشیه‌ای و اختصاص فعالیت‌های خانگی را به زنان آموزش می‌دهند. استروم کویست<sup>۳</sup> (۱۹۹۷ به نقل از حجازی، ۱۳۸۵)

بلانت<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) نیز در ارتباط با کارکرد جامعه‌پذیری جنسیتی کتاب‌های درسی می‌گوید: «کتاب‌های درسی در درون یک بافت قدرت (کلاس درس) ارائه می‌شوند. این بافت از یک سو نگرش کودکان درباره نقش‌های جنسیتی را شکل می‌دهد و از سوی دیگر به تقویت آن اقدام می‌کند. به این ترتیب پیام‌های ارائه شده توسط کتاب‌ها ذهن و افکار دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فراگیری نقش‌های جنسیتی منجر می‌شود.» او با تحلیل کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایرلند نشان داد که محتوای این کتاب‌ها در راستای تقویت کلیشه‌های زنانه و مردانه است. مردان در موقعیت قدرت و در مشاغل مختلف به تصویر کشیده می‌شوند، در حالی که زنان بیشتر در نقش مادری و موقعیت مراقبت از فرزندان دیده می‌شوند (به نقل از

- 
1. Copper
  2. Bourdieu
  3. Stromquist
  4. Blount

حجازی، ۱۳۸۵).

مسأله اشتغال زنان در ایران بیش از هر چیز تحت تأثیر دو عامل قرار دارد:

۱- تعیین کننده بودن نگرش و شیوه برخورد مردان با اشتغال همسران خود

۲- اهمیت و تقدس نقش مادری در جامعه و حتی در میان خود زنان ایرانی

از دیدگاه برخی جامعه شناسان دو عامل یاد شده وضعیتی را پدید آورده است که در بیش تر مناطق ایران به مسأله اشتغال زنان با دید منفی و انتقادی نگریده شود (سفیری، ۱۳۷۷). از سوی دیگر، گذشته از مخالفت‌های شوهر، هر کجا که اشتغال زن به انجام دادن وظایف مادری او آسیب وارد کند، خود او نیز دچار نوعی احساس گناه می‌شود و معمولاً به نفع نقش مادری، شغل خود را ترک می‌کند یا زمان آن را کاهش می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۴).

گرسون<sup>۱</sup>، پژوهشگر آمریکایی، چهار مسیری را، که زنان مختلف در طی زندگی خود دنبال می‌کنند چنین بر می‌شمارد: طی مسیر سنتی و مادری تمام وقت، بلند پروازی‌های شغلی و احساس مادری، طی مسیری غیر سنتی با اشتغال بیرون از خانه و دریافت دست مزد، الگوی چهارم نیز در زنانی دیده می‌شود که روزگاری با امیدهای بسیار وارد بازار کار شدند، اما در پی شکست‌های شغلی آرزوهای خود را بر باد رفته دیده و برای گریز از این سرخوردگی، دوباره به سوی خانه همچون پناهگاهی امن بازگشته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۶).

بررسی اطلاعات مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف روند رو به رشد فعالیت زنان در بیرون از خانه را نشان می‌دهد. بر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) تعداد کارکنان زن مشمول و غیر مشمول استخدام کشوری در سال ۱۳۸۵، ۷۵۷۵۱۶ نفر گزارش شده است که این رقم در مقایسه با سال ۱۳۷۶، ۴/۱۰ درصد افزایش داشته است. از این تعداد ۷/۵۷ درصد زنان تابع استخدام کشوری، در وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار هستند. (مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۵ آبان، ۱۳۸۷). یعنی بخش مهم مجریان برنامه درسی آموزش و پرورش ایران زنان هستند و از عناصر اصلی و کلیدی محسوب می‌شوند.

از سویی آموزش و پرورش برای تحقق مقاصد خود و تحقق برنامه درسی رسمی به کسانی نیاز دارد که با آرامش و نگرانی کم به ایفای نقش اقدام کنند. اگر سخن آیزنر، محقق

1. Garson



معروف برنامه درسی، را باور داشته باشیم که کسب اطمینان از فراهم بودن زمینه‌های اجرای برنامه‌های درسی - به ویژه برنامه‌های درسی جدید- به دلیل این‌که فرایند ایجاد تغییر در سطح مدارس و کلاس‌های درس فرایندی بسیار پیچیده است، مرحله‌ای حساس و پراهمیت به شمار می‌آید (مهرمحمدی، ۱۳۸۷) و کم توجهی به آن موجب شکست طراحی برنامه‌های درسی و مواد و منابع آموزشی شود. (مهر محمدی، ۱۳۸۷) درک و فهم بهتر از وضعیت دبیران زن، و تجربه آن‌ها از ایفای هم زمان نقش کار- خانواده و چگونگی تدریس آن‌ها کمک می‌کند که بر اساس شناخت به دست آمده، به تحقق برنامه درسی آموزش و پرورش ایران، که معلمان زن بخش مهم مجریان آن هستند، کمک بیشتری بکنیم.

### پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه ایفای هم زمان نقش کار - خانواده زنان شاغل انجام شده است. به نظر می‌رسد گسترش روز افزون حضور زنان در بازار کار و نیازهای اقتصادی خانواده‌های امروزی به کار زنان که به سرعت در حال گسترش است؛ یکی از دلایل توجه پژوهشگران به این حوزه است.

توسلی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آستی برقرار کرد؟» با بررسی روند کلی مشارکت زنان در فعالیت‌های چند دهه اخیر، نتایج یک بررسی را درباره تعارض نقش‌های خانه‌داری با کار زنان در بیرون از خانه را ارائه کرده است. این پژوهش در میان ۳۲۵ زن در چهار منطقه تهران انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشتر زنان (۶۰ درصد) بر اهمیت نقش سنتی و مسئولیت‌های خانه‌داری خود تأکید کرده و در قبال این نقش نسبت به کار بیرون از خانه اولویت قائل شده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که بین کار به عنوان یک فعالیت اقتصادی در جامعه و حفظ و نگه‌داری زندگی خانوادگی و مراقبت از کودکان تعارض وجود دارد. گرچه آن‌ها حفظ زندگی خانوادگی را بر کار بیرون ترجیح می‌دهند، اما هم چنان علاقه‌مند به کار و فعالیت اقتصادی بیرون از خانه هستند و در نهایت آن‌ها، تعارض موجود به آسانی حل‌شدنی نیست، مگر آن‌که مانند برخی کشورهای توسعه یافته، مقررات و امکانات حمایتی وسیعی ایجاد شود و مادران بتوانند هنگام کار بیرون، از خدمات مؤسسات زیربسط یا اشخاص بهره‌مند شوند و تفاهم بیشتری میان زن و شوهر پدید آید.

رستگار خالد (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تعارض نقش‌های شغلی-خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» سعی کرده است با استناد به برخی نظریه‌های مربوط به نقش و با بهره‌گیری از برخی مدل‌های تعارض کار-خانواده مدلی برای تبیین تعارض مذکور ارائه دهد. مسأله اصلی در این پژوهش این است که در جامعه امروز ایران در خانواده‌هایی که نظام نقش خود را گسترش داده‌اند و در آن زن و شوهر شاغل هستند، هریک از زوجین در ایفای موازی و همزمان نقش‌های شغلی-خانوادگی خود دچار فشار و تعارض می‌شوند، در این صورت چه عواملی آن را تبیین می‌کنند؟ منابع انطباق با این فشارها کدام هستند و چگونه می‌توان این تعارض‌ها را کنترل و سازمان‌دهی کرد؟ به ویژه الگوی توزیع جنسیتی نقش، به عنوان یک عامل منبعث از ساختار فرهنگی و اجتماعی در این فرایند چه نقشی ایفا می‌کند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان تعارض خانواده-کار را بیش‌تر از مردان تجربه می‌کنند. همچنین مردان بیشتر تعارض را از کار به خانواده و زنان تعارض را از خانواده به کار تجربه می‌کنند به این معنی که مردان نسبت به عوامل کاری مؤثر بر تعارض حساس‌تر و زنان نسبت به عوامل خانوادگی آن حساسیت بیشتری دارند.

مقصودی و بستان (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان شاغل کرمان اقدام کردند. در این پژوهش، محققان ۲۶۰ زن متأهل و شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان را در سال ۱۳۸۲ مطالعه کردند. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان شاغل مشکلات خود را درباره نگرانی و تربیت فرزندان، تهیه خوراک خانواده، برقراری نظم و نظافت منزل، کمبود وقت برای رفت و آمد با خویشاوندان، رسیدگی به ظاهر خود و داشتن وقت لازم برای تفریح، گفت و گو و تبادل نظر با همسر و امثال این‌ها زیاد ارزیابی کردند. این پژوهش همچنین نشان داد که این مشکلات به تنهایی برآمده از شغل نیست، بلکه از نگرش‌ها و تفکرات سنتی جامعه درباره نقش زنان نیز ناشی می‌شود که آن‌ها را وادار می‌کند علاوه بر نقش‌های اجتماعی، هم‌زمان مسئولیت‌های نقش‌های خانگی را نیز انجام دهند. در این مقاله همچنین با توجه به فراوانی‌ها رابطه چندانی میان شرایط شغلی و مشکلات زنان دیده نشد. به این معنا که زنان شاغل، با هر پست سازمانی و با هر میزان ساعات کار و درآمد، مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند.



در پژوهشی دیگر سفیری و زارع (۱۳۸۵) به بررسی «احساس ناسازگاری در میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان» اقدام کرده‌اند. در این پژوهش، زمینه‌های ناسازگاری نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش مذکور زنان متأهل جوان (۲۰ الی ۳۵ ساله) شهر شیراز بوده‌اند که حداقل یک سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود. نمونه آماری شامل ۲۸۷ نفر بود. پژوهش به روش پیمایشی و ابزار پژوهشی پرسشنامه بوده که در آن ناسازگاری نقش در هشت زمینه سنجیده شد: تحصیل، کار، مدیریت مالی، کار خانگی، پیوندهای جنسی و عاطفی، پیوندهای خانوادگی و دوستی، گذران اوقات فراغت و نگه‌داری و پرورش فرزندان. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان ناسازگاری نقش را در هر هشت زمینه بررسی شده تجربه می‌کنند؛ کم‌ترین میزان ناسازگاری تجربه شده در زمینه پیوندهای خانوادگی و بیش‌ترین میزان آن در زمینه مدیریت مالی است. در این پژوهش همچنین همبستگی معناداری بین سطح تحصیلات زن و مرد و ناهم‌سویی با ناسازگاری نقش به دست آمد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات احساس ناسازگاری زنان کاهش می‌یابد که ریشه آن را می‌توان در تأثیر تحصیلات در نگرش افراد دانست. یافته‌های پژوهش هم چنین نشان‌دهنده تأثیر پای‌بندی به جداسازی نقش‌ها بر ناسازگاری نقش است و چنین به نظر می‌رسد که با افزایش پای‌بندی به جداسازی نقش‌ها، میزان ناسازگاری نقش کاسته می‌شود. یعنی زنان پای‌بند به جداسازی نقش اعتقاد دارند که مسئولیت‌های نقش‌های سنتی خود را، از قبیل نقش‌های خانه‌داری و مادری، هم‌سو و هماهنگ با هنجارهای جامعه و عرف، با همان شدت و حدت گذشته انجام دهند. از این رو در مواجهه با چند نقش و به‌ویژه نقش‌های نو، آن‌ها را کنار می‌زنند و ترجیح می‌دهند که نقش‌های سنتی خود را انجام دهند و همین مسأله احساس ناسازگاری نقش را در آن‌ها کم‌تر می‌کند. از سویی دیگر زنان غیر سنتی، تنوع نقش بیشتری دارند و برتری ویژه‌ای به نقش‌های نو می‌دهند، که این خود به پیدایش ناسازگاری بیش‌تر نقش‌ها در آن‌ها می‌انجامد. چرا که جامعه نقش‌های سنتی زنان را ترغیب و تشویق می‌کند. سرانجام در این پژوهش آمده است که زنان دچار ناسازگاری نقش، میان دو گرایش یا کنش که نمی‌توانند به طور هم‌زمان آن‌ها را انجام دهند، به هر سو کشیده می‌شوند و ناگزیر می‌شوند که به گزینش دست بزنند، اما در بین این ارزش دوگانه و گاه چندگانه موقعیت‌ها گرفتار می‌شوند و پیامد آن اضطراب و سرگردانی است که زنان شاغل را در خود فرو می‌برد. و آن‌ها

نمی‌توانند از عهده وظایفی که بر دوش آن‌ها است به درستی برآیند.

اُکلی در سال ۱۹۷۴ خانه‌داری را درچارچوب جامعه‌شناسی کار مطالعه کرد. نمونه او چهل مادر بیست الی سی سالهٔ لندن بود. او در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که زنان به طور میانگین ۷۷ ساعت در هفته به خانه‌داری اقدام می‌کنند و زنی که کار تمام وقت داشت به میزان ۴۸ ساعت به خانه‌داری مشغول است. بنابر پژوهش‌های اُکلی ۷۶ درصد از کل زنان شاغل و ۹۳ درصد از زنان غیر شاغل خانه‌دار هستند. خانه‌داری اشتغالی خاص زنان پنداشته می‌شود و فرض بر این است که زن در هر حال آن را بر عهده خواهد گرفت.

به عقیدهٔ آبوت و والاس چیزی که زنان را در قلمرو خانگی محصور می‌کند یا دست کم رقابت با مردان را در بازار کار و سازمان‌های سیاسی برای آن‌ها به ویژه زنان متأهل دشوار می‌کند، تأثیر متقابل ایدئولوژی‌های موجود دربارهٔ مادری و نقش زنان است (آبوت و والاس، ۱۳۸۷).

همچنین گرت<sup>۱</sup> در پژوهش‌های خود به این نکته اشاره می‌کند که مادر شاغل را اغلب خودخواه و بیشتر از آن، بد می‌دانند، زیرا این طور تصور می‌شود که او نسبت به فرزند خود کوتاهی می‌کند. کودکی که مادر شاغل دارد رها شده انگاشته می‌شود و ادعا می‌شود که غیبت مادر ممکن است بر ثبات شخصیت و آیندهٔ او اثر منفی بگذارد (گرت، ۱۳۸۰).

علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده، میلر پژوهشی متفاوت دربارهٔ زنان معلم انجام داده است. میلر در این پژوهش در مصاحبه با زنان معلمی که بین دو تا بیست و دو سال سابقهٔ تدریس داشتند به این نتیجه رسید که بیشتر این زنان به این دلیل وارد حرفهٔ تدریس شده‌اند که از نقش زنان سنتی‌رهای یابند. همچنین او دریافت که برای بسیاری از این زنان جنبه‌های پرورشی تدریس با مفهوم حرفه‌گرایی تعارض دارد (میلر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶، به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶).

### جامعهٔ پژوهش

جامعهٔ پژوهش زنان دبیر شهرستان ایذه بود. شهرستان ایذه در شمال شرقی استان خوزستان قرار دارد. مردم ایذه بختیاری هستند در اجتماعات شهری، روستایی و عشایری شهرستان ایذه و در میان افراد بومی، به ندرت کسی یافت می‌شود که تبار و ریشهٔ ایلی نداشته

- 
1. Garrett
  2. Miller





باشد (ارجمندی و نوروزی، ۱۳۸۹). لذا بسیاری از سنت‌های عشیره‌ای از جمله نگاه سنتی به زنان، حل اختلافات به صورت طائفه‌ای و سایر سنت‌ها در این شهرستان هنوز پابرجاست. در چنین جامعه سنتی، گذر از نقشی به نقش دیگر با پیچیدگی‌های خاصی همراه است که جامعه شهری آن را ندارد و مطالعه آن می‌تواند در مقایسه با جامعه شهری مدرن، پیچیدگی‌های ایفای نقش همزمان زنان در کار و خانه را بهتر نشان دهد.

### روش پژوهش

هدف اساس این پژوهش آن است که به درک دیدگاه زنان دبیر از ایفای نقش خود دست یابد لذا از روش پدیدار شناسی استفاده شده است تا تجربه دبیران زن را در موقعیتی که قرار دارند از دیدگاه خود آن‌ها درک کنیم. واضح است که نیل با این هدف با استفاده از روش‌های معمول قیاسی<sup>۱</sup> با رویکرد کمی<sup>۲</sup> ناممکن است و به‌کارگیری روش‌های کمی به تحقق هدف پژوهش کمک نمی‌کند (منصوریان، ۱۳۸۷).

جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، در مدرسه یا در منزل مصاحبه شونده‌گان انجام شد. رو در رو بودن گفت و گو این امکان را فراهم کرد تا مصاحبه‌گر بتواند عکس العمل‌های مصاحبه شونده را در حین مصاحبه نسبت به پرسش‌ها و سخنان خود مشاهده کند.

### سؤال‌های مصاحبه

پرسش‌های مصاحبه در چند بخش طرح شدند:

- ۱- تجربه‌های دبیران زن از انجام دادن هم‌زمان نقش کار- خانواده.
  - ۲- عوامل و زمینه‌هایی که باعث به وجود آمدن تجربه‌های آن‌ها در این زمینه شده است.
  - ۳- چگونگی تدریس دبیران زن در موقعیتی که قرار دارند.
- شایان ذکر است که این سؤال‌ها به صورت جدا از هم در ساختار مصاحبه‌ها مطرح نشدند، بلکه در کل مصاحبه پراکنده هستند و گاه نیز یک سؤال ابعاد متعددی را در بر می‌گیرد که روشن کننده چند جنبه مختلف از موقعیت دبیران زن می‌شود.

- 
1. Deductive
  2. Quantitative Approach

## روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش با توجه به موضوع و هدف آن نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> بود. با استفاده از این شیوه افراد نمونه مورد مطالعه به شکل هدفمند و بر اساس معیارهای دبیری، زن بودن، تأهل و بچه‌دار بودن به تدریج انتخاب شدند. پس از انجام دادن اولین مصاحبه، نوار مصاحبه پیاده و سپس محتوای آن تجزیه و تحلیل شد. سپس بر اساس معیارهای ذکر شده و در کنار توجه به نیازهای اطلاعاتی نمونه بعدی انتخاب شد. و این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که به اشباع نظری رسیدیم. در این پژوهش با بیست نفر از دبیران زن متأهل مقطع متوسطه شهرستان ایزده به طور مجزا و انفرادی مصاحبه شد. سابقه تدریس مصاحبه‌شوندگان از ۸الی ۲۰ سال بوده است. دیگر ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آمده است. شماره مصاحبه‌شوندگان با توجه به ترتیب زمانی مصاحبه‌ها است.

جدول ۱: ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

| مصاحبه‌شونده | تحصیلات       | دبیر درس    | سابقه تدریس |
|--------------|---------------|-------------|-------------|
| ۱            | کارشناسی      | تاریخ       | ۱۳ سال      |
| ۲            | کارشناسی      | دین و زندگی | ۱۱ سال      |
| ۳            | کارشناسی      | ادبیات      | ۱۲ سال      |
| ۴            | کارشناسی ارشد | ریاضی       | ۱۵ سال      |
| ۵            | کارشناسی      | ادبیات      | ۱۳ سال      |
| ۶            | کارشناسی      | ادبیات      | ۹ سال       |
| ۷            | کارشناسی      | ریاضی       | ۱۵ سال      |
| ۸            | کارشناسی      | عربی        | ۱۴ سال      |
| ۹            | کارشناسی      | تاریخ       | ۱۰ سال      |
| ۱۰           | کارشناسی      | دین و زندگی | ۱۴ سال      |
| ۱۱           | کارشناسی      | دین و زندگی | ۱۹ سال      |
| ۱۲           | کارشناسی ارشد | شیمی        | ۱۳ سال      |
| ۱۳           | کارشناسی      | جامعه‌شناسی | ۹ سال       |
| ۱۴           | کارشناسی      | ریاضی       | ۸ سال       |
| ۱۵           | کارشناسی      | تاریخ       | ۱۲ سال      |
| ۱۶           | کارشناسی      | تاریخ       | ۱۵ سال      |
| ۱۷           | کارشناسی      | ادبیات      | ۱۶ سال      |
| ۱۸           | کارشناسی      | ریاضی       | ۱۷ سال      |
| ۱۹           | کارشناسی      | شیمی        | ۱۶ سال      |
| ۲۰           | کارشناسی      | ادبیات      | ۱۰ سال      |

## 1. purposive Sampling



اساس تحلیل داده‌ها در این پژوهش، کدگذاری است. بر همین مبنا بعد از انجام دادن هر مصاحبه، پیاده سازی آن انجام شد و پس از مطالعه متن پیاده شده، داده‌های هر مصاحبه بر اساس مراحل کدگذاری بررسی شدند. در نخستین مرحله یعنی کدگذاری باز با مرور داده‌ها، مفاهیم نهفته در آن‌ها شناسایی شد. سپس در مرحله دوم کدگذاری مقوله‌های پژوهش به دست آمدند. شایان ذکر است که پژوهشگران به منظور موثق کردن مطالب، پس از دسته بندی آن‌ها چندین مرتبه به صحبت‌های شرکت کنندگان مراجعه کردند. همچنین به منظور روایی داده‌ها از روش‌های تخصیص زمان کافی، ارتباط طولانی، تلفیق روش‌های گردآوری داده‌ها و بازنگری ناظران استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در شش مقوله تعارض نقش، فشار نقش، احساس ناکامی و شکست در نقش، تدریس غیر مؤثر، فقدان مشارکت همسر در انجام دادن کارهای خانه و انتخاب شغل دبیری خلاصه می‌شوند.

### عوامل زمینه‌ای:

#### انتخاب شغل دبیری

یکی از عوامل زمینه‌ای که در این پژوهش در به وجود آمدن مقولات اصلی (تعارض- نقش- فشار نقش شکست نقش و تدریس غیر مؤثر) مؤثر بوده دلیل شدن زنان شرکت کننده در پژوهش است. دلایلی که معلمان مصاحبه شونده در انتخاب شغل خود بیان کرده‌اند به شرح زیر است:

#### دلایل انتخاب شغل معلمی

|  |   |
|--|---|
| اجبار والدین                           | من پرستاری و پزشکی دوست داشتم ایشون (پدرم) تصمیم گرفتند که من معلم بشم. می‌گفتند برای بعد از ازدواج بهترین شغل برا زن معلمیه،     |
| محیط کاری سالم (فقدان ارتباط با مردان) | مصاحبه شونده (۱۸): « دوست داشتم پزشک بشم و خانواده‌م دوست داشتن معلم بشم. هم به دلیل محیط مناسب آموزش و پرورش، هم ساعات کاری کم.» |
| از بین رفتن معلومات                    | مصاحبه شونده (۱۴): « من خیلی مهندسی دوست داشتم. دو سه سال پشت   |

|  |   |
|--|---|
| کنکور موندم. مهندسی قبول نشدم. بعد رفتم لیسانس ریاضی گرفتم. ازدواج کردم، چند سال خونه نشین شدم. برای اینکه اطلاعات و معلوماتم از بین نره به سراغ آموزش و پرورش اومدم. «                  |   |
| مصاحبه شونده (۹): « من علاقه نداشتم، بر اساس شرایطی که داره، و برای ما زن‌ها بهتره، برا انجام دادن کارهای خونه. تعطیلات خوب داره (تابستان، نوروز (...)) بیشتر به خاطر شرایطش معلم شدم. « | انجام بهتر نقش‌های خانگی (داشتن ساعات کاری مشخص و کم، داشتن تعطیلات بیشتر به نسبت دیگر مشاغل دولتی) |
| مصاحبه شونده (۸): « بعد از ازدواج به دلیل نیاز مالی شاغل شدم. چون رشته‌ای که تحصیل کردم (عربی) جای دیگه بازار کار نداشتم. بازارش فقط آموزش و پرورش بود. «                                | نیاز اقتصادی  |

### مشارکت همسر در انجام دادن کارهای خانه

از عوامل زمینه‌ای دیگر شکل‌گیری مقوله اصلی این پژوهش مشارکت همسر در انجام دادن کارهای خانه است. بر اساس گفته‌های دبیران زن در این پژوهش مشارکت همسران آن‌ها در انجام دادن مسئولیت‌های خانگی هیچ یا در حد بسیار پایینی است. با توجه به گفته‌های آن‌ها فقدان مشارکت همسران در انجام دادن کارهای خانه بیشتر جنبه فرهنگی دارد. یکی از سنت‌های دیرپای منطقه ایزده، احترام گذاشتن به بزرگ خانواده (مرد) است. مرد در فرهنگ بختیاری نماد شجاعت و استواری است. به دلیل وجود همین ذهنیت قومی و فرهنگی است که با وجود تغییرات زیادی که در نقش‌های زنان به وجود آمده است، مرد این منطقه حاضر نیست از وجهه فرهنگی و قومی خود دست بکشد و به همین دلیل است که نگرش مثبتی به انجام دادن کارهای خانه از جانب مردان وجود ندارد و حتی می‌توان گفت نوعی نگاه و نگرش منفی به این پدیده وجود دارد.

مصاحبه شونده (۱۰): « نوع تربیت و محیط ایزده کار در خونه رو برا مرد نمی‌پسنده، حتی اگر کمک کنه باید پنهان باشه، چون از نظر بقیه وجهه و شخصیتش زیر سؤال میره. «.

مصاحبه شونده (۷): « اوایل ازدواجمون شوهرم خیلی کمک می‌کرد. ولی به مرور زمان تحت تأثیر دوستان و اطرافیان کمکش کمتر شد. مثلاً یه شب سر سفره شام برادرم به او گفت چرا تو، تو خونه کار می‌کنی و کم کم کمک کردنش کاهش یافت. «

مصاحبه شونده (۱): « شوهرم حتی اوایل ازدواج لباس خودش رو هم جمع نمی‌کرد. من



در انتقاد به مادر شوهرم گفتم: چون از بچگی هیچ مسئولیتی درخونه نداشته الان این طوری شده و مادر شوهرم در جواب گفت: مگه اون باید این کارا رو انجام بده، زشته، مرد نباید کار خونه انجام بده».

مصاحبه شونده (۱۱): « همسرم هیچ کمکی نمی‌کند. خیلی از مردای منطقه بختیاری روحیه کار در خونه رو ندارند.»

### تجربه دبیران زن:

تجربه دبیران زن مصاحبه شونده نشان می‌دهد که دچار تعارض نقش می‌شوند. پیامدهای تعارض نقش در ایشان، فشار نقش، شکست در ایفای نقش و در نهایت تدریس غیر مؤثر است که به تحقق نیافتن برنامه درسی آموزش و پرورش و اهداف آن منجر می‌شود. در ذیل به هر یک از این موارد اشاره شده است.

### تعارض نقش

تعارض نقش<sup>۱</sup> زمانی رخ می‌دهد که فرد باید به الزام‌های متضاد یک یا چند نقش پاسخ دهد (کوئن<sup>۲</sup>، ۱۳۷۲). بر اساس گفته‌های دبیران زن شرکت کننده در این پژوهش هر کدام از آن‌ها به نوعی در موقعیتی که قرار دارند، تعارض نقش را تجربه می‌کنند.

مصاحبه شونده (۱۹): «دوره ضمن خدمت نمی‌تونم برم چون اول می‌گم بچه‌ام رو کجا بذارم.»

و در قسمتی دیگر از مصاحبه همین دبیر می‌گوید: «از یک طرف می‌گن، سر کلاس باید موبایل را خاموش کنید، اما من نمی‌تونم. چون بچه‌ام ساعت یازده و سی دقیقه به خونه می‌ره و من ساعت دوازده کارم تموم می‌شه، در طول این نیم ساعت من سر کلاس باید جواب تلفن‌های بچه‌ام رو بدم چون مدام تلفن می‌زنه و می‌خواد با من حرف بزنه.»

دبیر زن وقتی در این وضعیت قرار می‌گیرد اولویت را به نقش مادری خود می‌دهد و نقش کاری را در مرتبه بعد قرار می‌دهد.

1. Role Conflict
2. Kohen

مصاحبه شونده (۲۰): «از یک طرف اگر با بچه‌ام خوب کار نکنم، امتحان بد می‌دهد و خیلی ناراحت می‌شم. از طرف دیگه اگر بخوام بیشتر به کار خونه برسم و وقت برای آمادگی و برای تدریس ندارم و به دنبالش تدریس خوبی نخواهم داشت، باز هم ناراحت می‌شم و عذاب می‌کشم.»

مصاحبه شونده (۸): «با به دنیا اومدن بچه‌ام ارزشیابی از دانش آموزان رو کمتر کردم. اصلاً نمی‌تونم در خونه برگه صحیح کنم. برای همین دیگه نمی‌تونم مرتب و خوب از بچه‌ها ارزشیابی کنم.»

## پیامدها

### فشار نقش

فشار نقش<sup>۱</sup> اولین پیامد تجربه دبیران زن از ایفای همزمان نقش کار- خانواده است. فشار نقش وضعیتی است که در آن فرد در انجام دادن نقشی که از او انتظار می‌رود دچار مشکل می‌شود و این امر به دلیل تعارض یا تعدد نقش‌ها به وجود می‌آید (کوئن، ۱۳۷۲).

دبیران زن به دلیل ایفای همزمان نقش‌های متعدد چون: نقش مادری- نقش همسری، نقش زن خانه‌دار و نقش کاری، که هر کدام از این نقش‌ها نیز انتظارات خاص خود را از آن‌ها می‌طلبند، با فشار نقش مواجه هستند. این فشار نقش به دو شکل خود را در گفته‌های آن‌ها نشان می‌دهد: فشار فیزیکی که موجب خستگی مفرط در آن‌ها می‌شود و فشار روانی که موجب اضطراب می‌شود.

### شکست نقش (احساس ناکامی و سرخوردگی)

از دیگر پیامدهای تجربه دبیران زن از ایفای همزمان نقش کار- خانواده شکست نقش است. شکست در نقش زمانی به وجود می‌آید که یک فرد چندین نقش همزمان را ایفا می‌کند و بدین‌گونه در معرض خواست‌های متعارضی قرار می‌گیرد (کوئن، ۱۳۷۲).

گفته‌های بیشتر دبیران زن بیان‌کننده نوعی تجربه شکست و احساس سرخوردگی به لحاظ شغلی و شخصی در پی ناکامی در ایفای نقش است. بیشتر دبیران زن مصاحبه شونده، خود را



ناموفق یا تقریباً موفق می‌دانستند. مفاهیمی مانند احساس پژمردگی و افسردگی، احساس پشیمانی از تشکیل خانواده، کارایی شخصی پایین، احساس ناکامی و شکست در رسیدن به خواست‌های خود، احساس فقدان موفقیت در اثر بخشی تدریس، احساس فقدان موفقیت در تربیت و رسیدگی به فرزندان، فقدان موفقیت در ارتباط با همسر و احساس سرخوردگی در گفته‌های دبیران مصاحبه شونده دال بر شکست نقش است.

### تدریس غیر مؤثر

تدریس غیر مؤثر پیامد دیگری است که به دنبال تجربه تعارض دبیران زن از ایفای همزمان نقش کار- خانواده برای آن‌ها به وجود آمده است. روزنشین و استیونس<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) بر این باور هستند که معلمان باید تدریس خود را بر پایه‌های علمی حوزه تدریس بنا کنند (به نقل از موسی پور، ۱۳۸۴). در مقابل این نظر، برخی جنبه موقعیتی تدریس را مهم‌تر دانسته و بر این باور هستند که موفقیت اقدامات معلمان بیش از آن‌که به توانایی‌های کسب شده ایشان وابسته باشد، در گرو بصیرت و شناخت آن‌ها از شرایط منحصر به فرد هر کلاس درس است. با توجه به این دیدگاه تدریس نوعی هنر است که از قبل تعیین پذیر نیست. (مهر محمدی و عابدی، ۱۳۸۰)

بورچ معتقد است، معلمان باید سه نوع شایستگی داشته باشند:

الف: شایستگی‌های علمی (دیدگاه‌های شناختی معلم)

ب: شایستگی‌های عملکردی (توانایی‌های معلم در تدریس).

ج: شایستگی‌های پیامدی (توجه به رفتارهای دانش آموز که مؤید بخشی تدریس است (۱۹۷۷ به نقل از نیکنامی، ۱۳۸۲).

به نظر می‌رسد مصاحبه شوندگان در این پژوهش اگرچه با مفاهیم کار خود آشنا هستند، ولی تجربه‌های آن‌ها حاکی از تدریس غیر مؤثر آنهاست. یکی از نشانگان تدریس غیر مؤثر، استفاده دبیران زن شرکت کننده در این پژوهش از روش‌های غیر فعال در تدریس است. در فرآیند تدریس، هرگاه شاگرد سهم بیشتری در فعالیت تدریس داشته باشد، تدریس را فعال و چنانچه سهم معلم بیشتر شود، تدریس را غیر فعال می‌نامند (موسی پور، ۱۳۸۴).

مصاحبه شونندگان این پژوهش که دبیران درس‌های مختلف علوم انسانی و علوم پایه (ادبیات- تاریخ- دین و زندگی- عربی- شیمی- ریاضی- جامعه‌شناسی) بودند از روش غیر فعال در تدریس استفاده می‌کنند. آن‌ها بیشتر به سخنرانی درباره درس اقدام می‌کنند. دانش آموزان در روش سخنرانی غیر فعال هستند. و معلمان در این روش به صحبت کردن، خواندن و گاهی ارائه برخی مثال‌های دیداری اقدام می‌کنند.

مطالعه فلاندرز<sup>۱</sup> (۱۹۷۰ به نقل از مهر محمدی و عابدی، ۱۳۸۰) نشان داده است که شاگردان کلاس معلمانی که از روش غیر مستقیم و غیر مبتنی بر سخنرانی استفاده می‌کنند، یادگیری بهتر و بیشتری دارند و نگرش آن‌ها نسبت به فرآیند یادگیری بهتر است. جدول زیر پاره‌ای از گفته‌های مصاحبه شونندگان و جریان منجر به تدریس غیر مؤثر را نشان می‌دهد.

| فشار نقش  | شکست نقش  | تدریس غیر مؤثر  |
|---|---|---|
| مصاحبه شونده (۱): «منم دلم می‌خواد وقتی از سرکار می‌آم خونه سفره پهن باشه غذا بخورم و استراحت کنم اما نمی‌شه. بعضی وقتا به خونه که می‌آم حتی کامل نمی‌تونم لباسم رو عوض کنم باید شروع به آشپزی کنم از فشار عصبی اشکم در می‌آد.» | مصاحبه شونده (۵): «ای کاش زندگی تشکیل نمی‌دادیم. بهتر بود، هم بهتر به کارامون می‌رسیدیم. (می‌تونستیم پیشرفت تحصیلی داشته باشیم). هم حوصله بیشتری برای دانش‌آموزان داشتیم. الان تو دو کار موندیم.» | مصاحبه شونده (۱۹): «امروز صبح به خاطر این که دیشب بچه‌ام نداشت بخوابم صبح که اومدم خسته بودم برا همین به جای ۵-۶ تمرین ۳ تمرین بیشتر نتونستم حل کنم.»                                       |
| مصاحبه شونده (۲): «مجبورم برای این که به همه کارام برسوم و اونها رو انجام بدم، از خوابم کمتر کنم و همین باعث می‌شه صبح در کلاس خسته و بی‌حوصله باشم.»   | مصاحبه شونده (۷): «دلم می‌خواست ادامه تحصیل بدم، ولی متأسفانه وقت ندارم. اونقدر کار هست که به مطالعه نمی‌رسیم. کار خونه ..... بچه داری ..... کار مدرسه.»  | مصاحبه شونده (۶): «دوست دارم با مطالعه کامل از کتاب‌های دیگه مثل کلیله و دمنه .... اطلاعات کامل‌تری به دانش آموزا بدم، اما وقت ندارم برا مطالعه، در کلاس فقط توضیح سرسری می‌دم و رد می‌شم.» |

## 1. Flanders





| فشار نقش  | شکست نقش   | تدریس غیر مؤثر  |
|---|--|---|
| مصاحبه شونده (۲): « کل کارای خونه با منه . در کنار اینا یه بچه بهونه گیر. در کنار این بچه آشپزی، جارو کردن شست و شو .... در حین انجام این کارا فکرم مشغول اینه که چه طوری می‌تونم درس رو آماده کنم. چه طوری مطالعه و تحقیق کنم، چه طور برگه‌های دانش آموزان رو تصحیح کنم و شاید نتونم همه این کارا رو هم انجام بدم» | مصاحبه شونده (۹): « خودم رو پنجاه درصد موفق می‌دونم تو کار خونه منظورم نیست. در زمینه کارم اون چیزی که باید باشم نشدم. از جهت دیگر دلم می‌خواست ادامه تحصیل بدم، دوست داشتم رانندگی یاد بگیریم نتونستم یعنی وقت ندارم. » | مصاحبه شونده (۲): « وقتی خسته به کلاس می‌رم، مثلاً اگر از روی متن قرآن قبلاً دوبار می‌خوندم، این دفعه یک بار می‌خونم و شاید درسی که بشه با پرسش و پاسخ بهتر اون رو تدریس کرد، این توان رو ندارم و چون تحمل ندارم که بچه‌ها سر و صدا کنند، خودم درس رو توضیح می‌دم تا بقیه ساکت باشند و گوش بدن. » |
| مصاحبه شونده (۱۹): « از تفریحاتم می‌زنم، از رفت و آمد می‌زنم، کارم زیاد است، دو بچه دارم، کار مدرسه، برگه صحیح کردن »   | مصاحبه شونده (۱۶): « خودم رو خیلی موفق نمی‌دونم چون اون طوری که دلم می‌خواد بچه‌ها درس یاد بگیرند نیست حالا نمی‌دونم مشکل از منه یا بچه‌ها علاقه ندارند. »   | مصاحبه شونده (۳): « وقتی بدون مطالعه به کلاس می‌رم از هر جای درس که فکر می‌کنم برا بچه‌ها سؤال ایجاد می‌کنه طفره می‌رم. »   |

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زنان دبیر متأهل مانند زنان ایرانی صاحب شغل دیگر، دچار تعارض نقش می‌شوند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش توسلی (۱۳۸۲)، رستگار خالد (۱۳۸۳) و سفیری و زارع (۱۳۸۵) همخوانی دارد. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر زنان دبیر به هنگام تعارض میان نقش خانگی و نقش دبیری، نقش خانگی خود را ترجیح می‌دهند. یافته‌های توسلی نیز نشان می‌دهد که ۶۰ درصد زنان جامعه مورد پژوهش او بر اهمیت نقش سنتی و مسئولیت‌های خانه‌داری خود تأکید کرده و در قبال این نقش نسبت به کار بیرون از خانه اولویت قائل شده‌اند. همچنین نتایج پژوهش سفیری و زارع نشان می‌دهد که زنان شاغل در رویارویی با چند نقش و به‌ویژه نقش‌های نو، آن‌ها را کنار می‌زنند و ترجیح

می‌دهند که به انجام‌دادن نقش‌های سنتی خود اقدام کنند و همین مسأله احساس ناسازگاری نقش را در آن‌ها کمتر می‌کند.

توسلی (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که تعارض مورد بحث به آسانی حل‌شدنی نیست، مگر آن که مانند برخی کشورهای توسعه یافته، مقررات و امکانات حمایتی وسیعی ایجاد شود و مادران بتوانند هنگام کار بیرون، از خدمات مؤسسات ذیربط یا اشخاص بهره‌مند شوند و تفاهم بیشتری بین زن و شوهر پدید آید. رستگار خالد (۱۳۸۳) نیز بر آن است عاملی که بیشترین تأثیر را بر کاهش تعارض می‌گذارد عامل حمایت اجتماعی از خانواده است. به این معنی که برای کاهش تعارض زنان باید بر حمایت اجتماعی از خانواده تأکید کرد. جامعه مورد پژوهش ما به دلیل بافت سنتی عشیره‌ای و مردسالارانه‌ای که در آن وجود دارد علاوه بر آن که حمایت‌های اجتماعی و شخصی را به زنان دبیر خود ارائه نمی‌کند، بلکه فشار روانی بر زنان را نیز به دلیل نگرش مردسالارانه و عشیره‌ای دو چندان می‌کند.

احساس ناکامی و شکست در نقش نیز به صورت یک تجربه مشترک در گفته‌های دبیران زن وجود دارد. با وجود ظاهر موفق دبیران زن، در مصاحبه با هر کدام از آن‌ها نوعی افسردگی و سرخوردگی ناشی از احساس فقدان موفقیت در انجام‌دادن نقش‌های آن‌ها دیده می‌شد.

میلر (۱۹۸۶) و گرامت<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) در پژوهش‌هایی تجربه تدریس زنان معلم را بررسی کرده‌اند که از جهاتی شبیه به تجربه تدریس مشارکت‌کنندگان در این پژوهش است. میلر در پژوهش خود در مصاحبه با زنان معلمی که بین دو الی بیست و دو سال سابقه تدریس داشتند به این نتیجه رسید که بیشتر این زنان به این دلیل وارد حرفه تدریس شدند تا از نقش زنان سنتی‌رهایی یابند. همچنین او دریافت که برای بسیاری از این زنان جنبه‌های پرورشی تدریس با مفهوم حرفه‌گرایی تعارض دارد (میلر، ۱۹۸۶). بنا به گفته میلر او در تجربه شخصی خود از نوعی دوگانگی در درون خود و در ارتباط با کار خود آگاه است. این مسأله تنش‌ها و ابهام‌هایی را در ارتباط با نقش حرفه‌ای و نقش شخصی و فقدان ارتباط میان این دو نقش نشان می‌داد.

تجربه‌های دبیران زن شرکت‌کننده در این پژوهش نشان‌دهنده این است که آن‌ها در موقعیتی که قرار دارند تعارض نقش را تجربه می‌کنند و فشار و شکست در نقش پیامدهایی

1. Grumet



است که به دنبال این تجربه برای آن‌ها به وجود می‌آید. بر مبنای مصاحبه‌های این پژوهش زنان دبیر تعارض نقش را بیشتر از خانواده به کار تجربه می‌کنند، هر چند که در چند مورد نیز بعد دیگر تعارض یعنی کار- خانواده نیز در آن‌ها دیده می‌شود.

زنان مصاحبه‌شونده فشار نقش را با درجات متفاوتی تجربه می‌کنند. این فشار هم از جنبه روانی است و هم از جنبه فیزیکی. از جنبه روانی آن‌ها به صورت مداوم از نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و دلهره‌ها رنج می‌برند. در خانه به فکر پیدا کردن وقت برای مطالعه یا کارهای مرتبط با تدریس هستند و در مدرسه نگران اوضاع و احوال خانه و فرزندان. این دوگانگی وضعیت تنش‌زایی را برای دبیران زن به وجود آورده است. آن‌ها در حد فاصل بین دنیای خانگی و دنیای کاری خود سرگردان هستند. این فشارها و دوگانگی‌ها باعث شده که آن‌ها راهبردهایی را برای کنترل وضعیت خود به کار ببندند که پیامدهایی منفی برای کار آن‌ها یعنی، تدریس، دارد.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های که درباره هم‌زمانی نقش کار و خانواده زنان شاغل انجام شده است، اختصاص آن به دبیران زن است. به گفته گودسون<sup>(۱۹۹۱)</sup> زندگی معلمان عامل منحصر به فردی است که نمی‌تواند تا حد عوامل اجتماعی دیگر تنزل یابد. از دیدگاه او زندگی معلمان عاملی مهم برای درک و فهم فعالیت‌ها و اعمال آن‌هاست (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶). کار معلم یعنی تدریس باید در چارچوب زندگی او و تجربیات منحصر به فردش بررسی شود. کوچکترین بی‌توجهی به تدریس، به دانش‌آموزان زیان می‌رساند. تجربه‌های دبیران زن در جامعه پژوهشی ما، حاکی از آن است که تدریس این دبیران فاقد اثربخشی است. دبیران زن مورد مطالعه ما به دلیل تعارض نقش فرصت آمادگی برای تدریس را ندارند و این موجب کاهش کیفیت تدریس آن‌ها می‌شود. کمبود خواب و استراحت کافی نیز که ناشی از تعدد نقش‌های دبیران زن است، به گونه دیگری تدریس آن‌ها را غیر مؤثر می‌کند. استفاده دبیران زن شرکت‌کننده در این پژوهش از روش‌های غیر فعال در تدریس دیگر تجربه مشترک آن‌ها در موقعیتشان بود.

از عوامل زمینه‌ای و اشتراک آن در تجربه چند تن از دبیران زن، بی‌علاقگی آن‌ها به معلمی بود. در گفته‌های دبیران زن چند دلیل برای پذیرش شغل معلمی وجود داشت که در بین این

دلایل علاقه هیچ نقشی ندارد. این دبیران یا از سر اجبار یا به دلیل محیط کاری به گفته خود آنها یعنی سالم بودن آموزش و پرورش (به دلیل ارتباط نداشتن با مردان) یا نیاز اقتصادی و البته یک دلیل مهم از نظر آنها راحت‌تر انجام دادن نقش‌های خانگی آنها در مقایسه با دیگر مشاغل و چند دلیل دیگر معلم شدند. که ممکن است این تجربه در فقدان موفقیت و ناکامی آنها در نقش‌هایی که بر عهده دارند و تجربه‌های دیگر آنها مؤثر باشد.

Archive of SID



## منابع

- آبوت، پاملا و کلر، والاس، (۱۳۸۷). *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نی.
- احمدی، حبیب و گروسی، سعیده، (۱۳۸۳). « بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای اطراف آن »، *نشریه مطالعات زنان*، زمستان ۱۳۸۳؛ ۲(۶): ۵-۳۰.
- ارجمندی، غلام رضا؛ نوروزی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹). *حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه: رسم «خون بری» یا «خون بس»*، *بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)*، بهار ۱۳۸۹؛ ۱(۱): ۱-۴۴.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶). *جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران، روشن گران و مطالعات زنان.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۲). *آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟*، *مطالعات زنان*، تابستان و پاییز؛ ۱(۲): ۳-۲۶.
- حجازی، الهه، (۱۳۸۵). « اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به سوی دست یابی به فرصت‌های برابر » *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز.
- رستگار خالد، امیر، (۱۳۸۳). « بررسی تعارض نقش‌های شغلی- خانوادگی و عوامل اجتماعی موثر بر آن »، *دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال یازدهم، دوره جدید، شماره ۴، اردیبهشت.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران، سروش.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷). *جامعه شناسی اشتغال زنان*، تهران، تبیان.
- سفیری، خدیجه و زهرا زارع، (۱۳۸۵). « احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان » *نشریه مطالعات زنان* سال ۴، شماره ۲، تابستان و پاییز، صص ۴۷-۷۰.
- شادی طلب، ژاله، (۱۳۷۷). *توزیع نقش مشاغل بر اساس جنسیت، روزنامه همشهری*، ۱۶ اردیبهشت.
- فتحی و اجارگاه، کورش، (۱۳۸۶). *برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید (جلد اول)*، تهران، آریژ.

متقی، محمد حسین؛ موسی پور، نعمت الله و ارجمند کرمانی، شهناز، (۱۳۸۳) « علل ترس از موفقیت در زنان شاغل»، *نشریه مطالعات زنان* سال دوم، شماره ۵، پاییز. کوئن، بروس، (۱۳۷۲). *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.

گرت، استفانی، (۱۳۸۰). *جامعه شناسی جنسیت*، ترجمه کنایون بقایی، تهران، دیگر. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶). *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی. محمدی، بیوک، (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقصودی، سوده و بستان، زهرا، (۱۳۸۳). « بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی»، *نشریه مطالعات زنان*، سال دوم، شماره ۵، پاییز، صص ۱۲۹-۱۵۰. موسوی، سید کمال الدین، (۱۳۸۴). « بار تکفل و عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر آن با تأکید بر مسأله‌ی اشتغال زنان»، *نشریه مطالعات زنان*، سال ۲، شماره ۸، تابستان و پاییز، صص ۳۱-۴۶.

موسی پور، نعمت اله، (۱۳۸۴). « مفهوم تدریس و پرسش‌های اساسی آن » *مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، سال اول، شماره اول، صص ۴۸-۵۶. مهابادی، سیامک، (۱۳۸۰). « نقش و جایگاه زنان در اشتغال و مدیریت »، ص ۱۲ در مجموعه مقالات دومین همایش توانمند سازی زنان، دفتر مشارکت زنان وزارت کشور، تهران. مهر محمدی، محمود و لطفعلی عابدی، (۱۳۸۰). « ماهیت تدریس و ابعاد زیبا شناختی آن »، *فصلنامه مدرسه*، دوره ۵، شماره ۳، پاییز.

مهر محمدی و همکاران، (۱۳۸۷). *برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها*، تهران، سمت. منصوریان، یزدان، (۱۳۸۷). « کارگاه آموزشی آشنایی با مبانی پژوهش‌های کیفی »، محل برگزاری پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، بهمن ماه.

نیکنامی، مصطفی، (۱۳۸۲). *نظارت و راهنمایی آموزشی*، تهران، سمت.

Grummet, M, (1988). *Bitter milk: women and teaching*. Amherst MA : university of Massachusetts press.

Miller, J. L, (1986). Women as teachers: Enlarging conversations on issues of gender and self – concept. *Journal of curriculum and supervision*. 1(2). 111-121.



### نویسندگان

**attaran\_m@yahoo.com**

**محمد عطاران**

دانشیار دانشگاه خوارزمی (دانشگاه تربیت معلم سابق) عضو هیأت علمی گروه مطالعات برنامه درسی این دانشگاه است. او دانش آموخته مقطع دکتری برنامه ریزی درسی از دانشگاه تربیت مدرس است و زمینه‌های پژوهشی او عبارت هستند از: فناوری اطلاعات و ارتباطات و برنامه درسی، فرهنگ و تعلیم و تربیت، یادگیری الکترونیکی، دانشگاه مجازی، پژوهش‌های کیفی و پژوهش‌های روایی. اطلاعات بیشتر درباره او در نشانی زیر قابل دسترس است. <http://cvs.tmu.ac.ir/attaran.htm>

**y.mansourian@gmail.com**

**یزدان منصوریان**

دانشیار دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق)، عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیر کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد این دانشگاه است. او دانش آموخته مقطع دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه شفیلد انگلستان است و زمینه‌های مورد علاقه پژوهشی او عبارت هستند از: رویکرد کیفی در پژوهش کیفی، نگارش علمی، ذخیره و بازیابی اطلاعات الکترونیکی، وب پنهان، تعامل انسان و اطلاعات، سواد اطلاعاتی، یادگیری مبتنی بر پرسش، اقدام پژوهی، رویکرد مبتنی بر گواه و مطالعات موردی. اطلاعات بیشتر درباره سوابق آموزشی و پژوهشی او در نشانی زیر قابل دسترس است: <http://cvs.tmu.ac.ir/fa/yazdan.htm>

**kord.1990@yahoo.com**

**مژگان کرد**

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی (دانشگاه تربیت معلم سابق) و دبیر دبیرستان‌های شهرستان ایذه است. او کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی کسب کرده است و سال‌هاست در شهرستان ایذه به عنوان دبیر مشغول تدریس است.